

نگاه

گفت‌وگو با احسان معجونی و شاهین افشردی درباره نمایش «باغ عدن»

وقتی از روزمرگی‌ها حرف می‌زنیم

بهناز شیربانی: نمایش «باغ عدن» درباره رابطه روزمره دختر و پسری است که تلاش می‌کنند با فرار از زبان روزمره، به ایده جدیدتری در رابطه خود دست یابند. نمایشی که شکل و ایده اجرایی خاص خودش را دارد و در مدت اجرا باخوردهای مختلفی میان مخاطبانش داشته است.

احسان معجونی، نویسنده و بازیگر نمایش «باغ عدن»، درباره چرایی و چگونگی به صحنه بردن این نمایش به «شرق» گفت: «نمایش «باغ عدن» زمانی نوشته شد که خودم به‌عنوان نویسنده، دچار چالش‌های روزمرگی بودم و عدم ارتباط موضوع جالبی برایم شد؛ با توجه به مسائل فرهنگی و در گسسته‌ها، حفره‌ها و جاهای خالی که واقعا نمی‌دانم چطور ممکن است با دیالوگ‌کردن پر شود. ایده اصلی متن از همین‌جا و از روزمرگی شکل گرفت. جایی که ما تصمیم گرفتیم صحبت نکنیم، گفت‌وگو نکنیم یا حتی گفت‌وگوکردن ما به واسطه زمانمان، به هیچ جا نمی‌رسید و مدام دچار سو،تفاهم‌ها و سوءتعبیر می‌شدیم. متن این نمایش درباره زبان و ساختار زبان و اینکه چطور بتوانیم در روزمره از این ملال فرار کنیم، نوشته شده است. متن دقیقا دست می‌گذارد روی روزمرگی‌ها؛ چیزی که احتمالا همه ما به نوعی یا به شکلی تجربه‌اش کرده‌ایم و با آن روبه‌رو شده‌ایم و هرکدام از ما احتمالا یک مواجهه متفاوت نسبت به دیگری با این موضوع داریم، اما باید این را در نظر گرفت که همه ما در یک اجتماع هستیم و یک جمع پلاتلیف، دیگر اشتیاق و میلی برای گفت‌وگوکردن ندارد؛ چراکه اصلا خود آن زبان هم خیلی ایده‌مند نیست که چیزی را دوباره خلق کند و در بستر خودش راکد مانده است و انکار دیگر هیچ چیز پیش نمی‌رود».



او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «در این نمایش نامه دو شخصیت وجود دارند؛ یک شخصیت پسر و یک شخصیت دختر که در کتابخانه‌ای سعی می‌کنند یک زبان جدید را خلق کنند؛ ولی خود آن زبان جدید هم دچار گسسته‌ها و روزمرگی است که تأثیرش را در رابطه دختر و پسر می‌گذارد. این رابطه انکار خیلی وقت است تمام شده و همه اینها در روزمرگی این دو انسان خلاصه می‌شود. توضیحات من درباره شرایط نگارشی خود متن است و اینکه چطور می‌توانیم این روزمرگی را ایده‌مند کنیم که نزدیکی مستقیم با آدم‌هایی پیدا کند که در جامعه می‌بینیم و زیست‌شان می‌کنیم و می‌فهمیم یا اصلا خودمان هستیم. یعنی ما به‌عنوان کسی که می‌نویسیم، احتملا تجربه‌ای از این روزمره داشتیم و فقدان‌ها و ناتوانایی داشتیم که نمی‌توانستیم آنها را بروز بدهم و حتی را راجع به آنها صحبت کنم که چرا این‌قدر دچار تاول‌های متفاوت می‌شویم».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «در شیوه اجرا هم باید بگویم چون من نویسنده هستم و کارگردانی را شاهین انجام می‌دهد، فکر می‌کنم کارگردان می‌تواند توضیح بهتری درباره چگونگی اجرا بدهد. ما گروهی هستیم که از دانشگاه با هم تئاتر کار می‌کردیم و بعد از سال‌ها کماکان کار می‌کنیم و همواره این نگاه تجربه‌گر را کارهای ما وجود دارد. خیلی چیزها برای ما در گروه خلاصه می‌شود؛ در اتاق فکرها و در زیست‌های ما و در شناخت‌مان، در آگاهی و تجربه‌های زیستی که با هم گذرانیدیم و تجربه‌های جمعی که با هم مشاهده کردیم- و چالش‌های این‌چنینی در خود کار هم وجود دارد. شیوه کار ما به این شکل نیست که صفر و صد معین باشد؛ سعی می‌کنیم ابتدا بستر کار را فراهم کنیم و به مرور روی متن که پایه ابتدایی کار ماست، به موارد دیگر فکر می‌کنیم. مثل اینکه چگونه یک متن را عملیاتی کنیم و تئوری متن را فعال کنیم. به معنای بهتر کنش‌مند شدن و بتوانیم بهتر ببینیم متن را به چه شکل اجرا کنیم».

معجونی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «ما هم باطالع با چالش‌هایی روبه‌رو بودیم، گسسته‌های فرهنگی که در ابتدا درباره آن صحبت کردم، از همان ابتدا خودش را نمایان کرد. اینکه چطور می‌توانیم اشتیاق و میلی برای کارکردن پیدا کنیم و اینکه چطور آن را امتداد بدهیم و ادامه‌دار شود؛ چراکه ما در جایی زندگی می‌کنیم که مدام در حال تجربه اتفاق‌های مداوم هستیم. این‌قدر رخدادها در این کشور، به‌خصوص منطقه خاورمیانه، زیاد است که ناخودآگاه ما هم درگیر این رخدادها و حوادث می‌شویم و اصلا در این آب‌وتاب کارکردن بزرگ‌ترین چالش است. از نظر اقتصادی هم به صحنه بردن یک نمایش چالش‌های خاص خودش را دارد. بارها به شیوه اجرایی نمایش فکر کردیم؛ تنها چیزی که به نظرم‌ان رسید می‌تواند شکل مشترکی بین اجراگر و مخاطب وجود داشته باشد، همین روزمرگی است. چیزی که فرد به فردمان تجربه‌اش کردیم و وقتی از سالن بیرون آمدیم، به این مسئله طور دیگری نگاه می‌کنیم؛ اینکه چطور با این روزمرگی و ملال دست‌وپنجه نرم کنیم».

این نمایش‌نامه‌نویس ادامه داد: «شخصیت‌های نمایش ما از دل روزمره بیرون آمده‌اند. هر دو خاکستری هستند و نمی‌توانیم آنان را قضاوت کنیم. در این نمایش، گویی همه شخصیت‌ها حق دارند که نتوانند حرف بزنند. آنان مشغول تمرین زبان هستند، ولی نه زبان ما بلکه زبانی دیگری که البته از دل زبان ما برآمده است».

او در ادامه گفت: «اولین تلاش ما این است که کمی توانایی نسبت به شرایط بیرونی و نیز شرایط خودمان آگاه شویم. تلاش می‌کنیم این اجرا را طوری پیش ببریم که نسبت به مخاطب و خود اجرا ایده‌ای پیدا کنیم و بعد درباره چگونگی ادامه اجرا به تصمیم برسیم. این موضوع به شرایط خود گروه هم وابسته است و دنبال یک ویژگی هستیم که تا وقتی خود را نمایان نکند، کار را با صبر و طمأنینه جلو می‌بریم».

شاهین افشردی، کارگردان نمایش «باغ عدن» نیز درباره شیوه اجرای این نمایش به «شرق» گفت: «متن نمایش را احسان معجونی حدود سه، چهار سال پیش نوشت و تصمیم گرفتیم آن را اجرا ببریم. از آن زمان تا به امروز تغییرات زیادی در متن و شکل اجرا داشتیم و نسبت به سال‌هایی که پشت سر گذاشتیم و ایده‌هایی که داشتیم، شکل کار و شیوه کارگردانی آن هم تغییر کرده است. این نمایش بیش از هر چیز درباره ارتباط‌گرفتن آدم‌ها و روزمرگی آنهاست. همچنین در مورد زبان و شکل ارتباط آدم‌هاست و ما سعی کردیم در شکل اجرایی کار، به ویژگی‌های زبانی و به گسسته‌های زبانی توجه کنیم و این عدم ارتباط بین دو نفر، یا چندین نفر را در شکل و فرم اجرایی نمایش هم پیدا کنیم و این ارتباط‌ناداشتن که ما را به فضایی سرد و خاکستری هدایت می‌کند، در شکل اجرایی خودمان پیدا کنیم. درواقع ما در حین تمرین هیچ خط مستقیم و ثابتی را انتخاب نکردیم و در در جلسات اول با خوانش متن شروع کردیم و سعی کردیم آزمون و خطا را را لحاظ کنیم تا به یک سری ایده‌های تقریبا نامتعارف برسیم. از این جهت، ترسی به خودمان راه ندادیم و هر بار وارد تمرین می‌شدیم، به ایده‌های جدید متنی و کارگردانی فکر می‌کردیم». او ادامه داد: «برای اجرا بردن این نمایش، بیشتر سعی کردیم شجاعت برخورد با ایده‌ها را داشته باشیم و ترسی که از ایده‌های نامتعارف به وجود می‌آید، به دلمان راه ندهیم و حقیقتا به چیزهای جدید فکر کنیم و خودمان را در مسیر خلق قرار بدهیم».

شرق: وئزولنا یکی از بزرگ‌ترین مالکان نفت جهان است اما مداخلات گسترده دولت در اقتصاد، قیمت‌گذاری دستوری، فساد و رانت و سلب مالکیت زمین‌های کشاورزی و صنایع و سیاست‌های کز و نادرست دیگر، سبب شد که نه‌تنها کارخانه‌های مواد غذایی، لوازم یدکی، تجهیزات پزشکی و... یکی‌یکی تعطیل شوند، بلکه عفونت این زخم عمیق، به زیرساخت‌های اقتصادی کشور رسید و کشور در خاموشی فرو رفت و دیگر برنژینی در کارخانه‌های وئزولنا تولید نشد.

با تعطیلی گسترده کارخانه‌ها و بحران بازار کار، مهاجرت از کشور شدت گرفت، آن‌قدر که یافتن ساده‌ترین مشاغل مانند آرایشگرها و نانوایان در وئزولنا جزء سخت‌ترین کارها شد.

این سرنجام تلخ مداخلات بی‌حدوحصر دولت در اقتصاد است؛ عارضه‌ای که حالا گریبان‌گیر ایران شده است. ایران مالک دومین ذخایر بزرگ گاز و چهارمین ذخایر بزرگ نفت جهان است اما حالا کسری انرژی در کشور به جایی رسیده است که تولید برق جواب‌گوی یک چهارم تا یک پنجم نیاز کشور نیست و تولید گاز نمی‌تواند یک‌سوم تقاضای داخلی را جواب دهد. کمبود انرژی چراغ بسیاری از کارخانه‌ها را خاموش کرده و وخامت اوضاع به حدی است که صاحبان صنایع بزرگ خبر می‌دهند پیامک‌هایی دریافت کرده‌اند که از قطع ۱۵ روزه برق کارخانه‌های سیمان و فولاد خبر می‌دهد. هرچند که گفته‌های مقامات در این زمینه متناقض است و وزیر کشور از اساس ماجرا را تکذیب کرده اما این اظهارنظرها چیزی از وخامت اوضاع کم نمی‌کند.

صنایع درمخمسه انرژی

خبر قطع ۱۵ روزه برق صنایع بزرگ در شرایطی منتشر شد که اسمال زودتر از همیشه قطع برق خانگی کلید خورده است. در همین زمینه اکوایران نوشت «در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ادارات برق منطقه‌ای به مدیران شرکت‌های فولادی و سیمانی کشور اطلاع داده‌اند که به مدت ۱۵ روز، مجاز به مصرف تنها ۱۰ درصد از دیماند معمول خود هستند و این تصمیم عملا به معنای توقف کامل تولید در بخش‌هایی مانند احیای مستقیم و فولادسازی است و کارخانه‌ها تنها قادر به تأمین روشنائی حداقلی خواهند بود».
براساس گزارش این رسانه همچنین پیامکی با مضمون مشابه به مدیران صنایع فولادی ارسال شده است، مبنی بر اینکه «مدیریت محترم مشترک صنعتی؛ با سلام، بنا بر مصوبه کارگروه مدیریت بهینه مصرف انرژی و ابلاغیه وزارت کشور که ساعتی پیش صادر شده است، همه صنایع موظف هستند از ساعت هشت صبح فردا به مدت ۱۵ روز فعالیت تولیدی خود را متوقف کرده و مصرف برق خود را به ۱۰ درصد مقدار عادی کاهش دهند. بدیهی است که در صورت رعایت‌نکردن این سهمیه، مسئولیت تبعات آن برعهده واحد صنعتی خواهد بود».

خبر قطع ۱۵ روزه برق صنایع با واکنش‌های متعددی مواجه شد. محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، با تأیید تلویحی این خبر گفته است «این تصمیم در تضاد کامل با تفاهم‌نامه اخیر این‌جانب با وزیر نیرو است و جای تأسف دارد که بار دیگر بخش صنعت کشور به‌عنوان اولویت نخست اعمال محدودیت‌های کمبود برق تعیین شده‌اند».

او در ادامه تأکید کرده است: «هزینه‌های قطع برق بخش صنعت و معدن کشور که نقش مهمی در تولید ناخالص داخلی (جی‌دی‌پی) کشور دارند، بسیار سنگین است و این خلاف هدف‌گذاری شعار سال مبنی بر سرمایه‌گذاری در تولید است».
اتابک به خسارت سنگین صنایع از قطع برق و گاز اشاره کرده و گفته است «این وزارتخانه برای جلوگیری از تکرار خسارت‌های سنگینی که سال گذشته بر صنایع کلان وارد شد، تلاش کرد با ایجاد تفاهم در دولت، بخش صنعت و معدن کشور را از اولویت نخست قطع برق خارج کند اما متأسفانه در کمتر از دو هفته این تفاهم‌نامه را سوی وزارت نیرو نقض شده است».
از آن سو وزیر نیرو توضیحات دیگری درباره این خبر داده است. به گزارش ایرنا عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، هم که در سفر استانی رئیس‌جمهوری به کرمانشاه، او را همراهی می‌کرد، در واکنش به انتشار خبر قطعی برق ۱۵ روزه صنایع گفته است «قطع برق هر یک از بخش‌های مختلف کشور با تصمیم جمعی است و دستگاه‌های مربوطه مانند وزارت کشور، صنعت، نفت، نیرو و استانداران درباره آن نظر می‌دهند و هرگونه تصمیم‌گیری درباره قطعی برق به همان کمیته مربوطه ارجاع داده می‌شود. ازاین‌رو در این زمینه اظهارنظر فردی نمی‌کنم و اجازه دهید دستور رئیس‌جمهور را اجرا کنیم».
در نهایت اسکندر مومنی، وزیر کشور، از اصل و اساس منکر ماجرا شد و گفت «تعجب‌آور است که چگونه یک خبر نادرست می‌تواند به‌سرعت منتشر شده و مبنای تحلیل‌ها و قضاوت‌های عمومی قرار گیرد، درحالی‌که اساسا چنین موضوعی مطرح نبوده است. امکان تعطیلی صنایع کشور به مدت ۱۵ روز وجود نداشته و تصمیمی نیز در این زمینه گرفته نشده است».
اما فارغ از تأیید و تکذیب ماجرا، صنایع و مشاغل کشور پنجه در پنجه خاموشی و کمبود انرژی روزگار دشواری را پشت سر می‌گذارند. صنایع و مشاغل کشور فصول گرم سال با کمبود برق و فصول سرد با کمبود گاز مواجه هستند.

تعطیلی کارخانه‌های کشور دریک‌سوم روزهای سال

کمبود برق و گاز، زمان تعطیلی خط تولید را به عدد هشداردهنده‌ای رسانده است. آرش نجفی، رئیس کمیسون انرژی اتاق ایران، در سومین نشست خبری ستاد اکسپوی اتاق ایران گفته است «تعطیلی ناشی از ناترازی انرژی در واحدهای تولیدی به بیش از صد روز در سال رسیده است».
به‌این‌ترتیب کارخانجات کشور حدود یک سوم سال به دلیل کمبود انرژی تعطیل هستند.

رضا شهرستانی، عضو انجمن فولاد ایران، به «شرق» می‌گوید که این عدد برای صنایع فولاد بزرگ‌تر است و کسری انرژی حدود نیمی از سال کاری صنعت فولاد را به تعطیلی کشانده است. او تأکید می‌کند که اگر صنایع فولاد با کسری انرژی دست‌وپنجه نرم نمی‌کرد، به‌راحتی قادر بود به تولید ۵۰ میلیون تن در سال برسد. اما حالا نه‌تنها توانسته به برنامه هدف‌گذاری‌شده خود برسد بلکه با خسارات سنگین ناشی از قطع برق و گاز مواجه شده است.

در شرایطی که صنایع بزرگ از خسارت سنگین کمبود برق و گاز گزارش می‌دهند، وضعیت برای صنایع کوچک‌تر به مراتب دشوارتر است. انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران گزارش داده است که در سال گذشته ۳۰۲ میلیون تن فولاد در کشور تولید شد که در مقایسه با سال ۱۴۰۲ معادل ۵.۷ درصد افت را نشان می‌دهد.

بر مبنای این گزارش، تولید فولاد ایران بر اثر محدودیت‌های برق و گاز در ۹ ماهه سال ۱۴۰۳ معادل ۴.۸ درصد افت داشته و در آمار ۱۰ ماهه به ۵.۵ درصد و در آمار ۱۱ ماهه به ۶.۷ درصد کاهش تولید رسیده است. همچنین محدودیت‌های انرژی، تولید فولاد میانی کشور را هم حدود دو میلیون تن به ارزش حدود یک میلیارد دلار کاهش داده است.
در گزارش دیگری که انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران منتشر کرده، ارزش صادرات زنجیره فولاد کشور در سال گذشته ۱۳ درصد معادل یک میلیارد دلار کاهش داشته است و اسلب و شمش به‌عنوان محصولات اصلی صادراتی فولاد ایران، بیشترین کاهش حجم صادرات به ترتیب با ۳۲ و ۱۸ درصد افت را تجربه کرده‌اند.
عرفان افاضلی، دبیرکل فدراسیون صنعت نفت ایران هم در ۲۳ دی ۱۴۰۳ به اینلنا گفته است: «خسارت برآورده‌شده ناشی از قطع برق و گاز صنایع فولاد و پتروشیمی تا



عکس: دانیال شایگان

گزارشی درباره مداخلات گسترده دولت‌ها در اقتصاد که منجر به کسری برق وزمین‌گیری کارخانجات شده است

مصیبت ناترازی

حدود ۱۸۰ هزار میلیارد تومان است».
علی‌اکبر النودیان، دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان، در آذر سال گذشته گفته بود: «با افزایش مشکلات تأمین گاز و برق، کارخانه‌های سیمان با کاهش ۵۰ درصدی تولید مواجه شده‌اند و ۷۰ درصد کوره‌های سیمان به دلیل کمبود برق تعطیل شده‌اند». او همچنین از «کاهش ۱۷ درصدی صادرات کلینکر» در هفت ماه اول سال ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۲ خبر داده است.

خسارت سنگین ناشی از کمبود برق و گاز در صنایع بزرگ در حالی گزارش می‌شود که بسیاری از این کارخانجات ناچار شده‌اند در محوطه سایت تولیدی خود نیروگاه تولید برق راه‌اندازی کنند، اما این کار برای تولیدکنندگان متوسط و کوچک امکان‌پذیر نیست.

مجید بهارلو، گلخانه‌دار لرستانی، به «شرق» توضیح می‌دهد که کمبود برق بسیاری از تولیدکنندگان کوچک و به‌ویژه تولیدکنندگان مواد فسفادپذیر مانند مواد غذایی و کشاورزی را زمین‌گیر کرده است و بسیاری از تولیدکنندگان کوچک مواد غذایی و کشاورزی به دلیل کمبود برق، کسب‌وکار خود را تعطیل کرده‌اند.

هرچند تولیدکنندگان بزرگ هم از گرفتاری عجیب دیگری برده برمی‌دارند.

رضا شهرستانی، عضو انجمن فولاد ایران، می‌گوید: دولت در اقدامی پرسش‌برانگیز، اجازه نمی‌دهد صنایع از برق تولیدی نیروگاه‌های خود استفاده کنند و آنها را مجبور می‌کند که برق تولیدی خود را به شبکه سراسری تزریق کنند تا کمبود برق خانگی را مدیریت کند.

با تمام این اوصاف، زخم ناترازی برق بر پیکره صنایع کشور به حدی است که نه‌فقط صنایع کوچک و متوسط را به تعطیلی موقت یا دائم کشانده، بلکه صنایع بزرگ را با خسارت‌های بزرگ مواجه کرده است.

در همین زمینه، ایسنا گزارش داده که مهدی طیب‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان، دیروز ۲۶ اردیبهشت در جلسه شورای اداری استان که با حضور وزیر کشور تشکیل شده بود، گفته است: «ناترازی برق و مداخلات گسترده دولت در بازار انرژی سبب شده تمام صنایع به مرز ورشکستگی برسند».

صنعت انرژی اسیر مداخلات دولت

مشکلات صنعت انرژی اما پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. صنعت گاز کشور سال‌هاست به دلیل تحریم و نبود سرمایه و فناوری کافی، از برنامه‌های تولید جا مانده و از آن سو، سیاست نادرست گازشی سراسر کشور و تحمیل بار سنگین مصرف خانگی به صنعت گاز سبب شده است این‌علی‌رغم برخورداری از دومین ذخایر بزرگ گاز جهان، با کمبود گسترده گاز مواجه شود.

از سوی دیگر، چیزی حدود ۸۰ درصد نیروگاه‌های برق کشور به سوخت گاز وابسته هستند و نزدیک به ۱۴ تا ۱۵ درصد نیروگاه‌های کشور برق تولید می‌کند. کمبود گاز و بحران آب، تولید برق را گرفتار چالش جدی کرده است. گذشته از این، مداخلات بیش از حد دولت در بازار انرژی، انگیزه سرمایه‌گذاری در این صنعت را تضعیف کرده است.

سندیکای تولیدکنندگان برق توضیح می‌دهد که ایران باید سالانه پنج درصد ظرفیت نیروگاه‌های خود را افزایش دهد تا بتواند پاسخ‌گوی افزایش تقاضای بخش خانگی و صنعت باشد، اما نه‌تنها این اتفاق رخ نداده بلکه نگهداشت وضعیت تولید فعلی با چالش‌های متعددی روبه‌روست.

براساس گزارش وزارت نیرو، ظرفیت اسمی تولید برق در سال ۹۲ حدود ۷۰ هزار مگاوات بوده که در حال حاضر به حدود ۹۰ هزار مگاوات رسیده است. به عبارت دیگر، ظرفیت تولید برق در یک دهه فقط حدود ۲۰ هزار مگاوات افزایش داشته است. به عبارتی، ظرفیت سالانه تولید برق نه پنج درصد بلکه حدود دو درصد افزایش داشته که این رقم کمتر از نصف رقم مورد نیاز است.

گذشته از این، تمام ظرفیت اسمی تولید برق تبدیل به برق نمی‌شود. وزارت نیرو در سال ۹۵ حداکثر میزان تولید برق کشور را ۵۷ هزار مگاوات دانسته که با احتساب اتلاف برق در شبکه، حداکثر رقم قابل دستیابی برق در این سال را ۴۱ هزار مگاوات دانسته است. این در حالی است که ظرفیت تولید برق در این سال بیشتر از ۷۴ هزار مگاوات قید شده است. در حال حاضر هم که ظرفیت تولید برق بیش از ۹۰ هزار مگاوات عنوان می‌شود، عملا میزان تولید برق از ۵۸ هزار مگاوات تجاوز نمی‌کند. بنابراین میزان تولید برق در یک دوره هفت‌ساله حدود چهار تا پنج هزار مگاوات افزایش داشته و تولید برق در این بازه زمانی، سالانه کمتر از هزار مگاوات برق افزایش داشته است. تولیدکنندگان برق و کارشناسان انرژی می‌گویند قیمت‌گذاری دستوری مانع اصلی سرمایه‌گذاری در این بخش است. هاشم اورعی، کارشناس انرژی، به «شرق» توضیح می‌دهد: «اصلی دلیل کاهش شدید بارش، استهلاک نیروگاه‌های برق و نوسازی‌نشدن آنها، تأمین بیش از حد نیروگاه‌های سرق به گاز و افزایش تقاضای مصرف انرژی، اوضاع تولید برق وخیم‌تر از هر سال است و این شرایط سال به سال بدتر می‌شود. در حال حاضر ذخایر آب سدهای کشور که برای تولید برق در تیر و اواسط تابستان استفاده می‌شوند، از هم‌کنون مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در واقع بحران را به تعویق انداخته‌اند.

او در ادامه می‌گوید: «درحالت صنعت برق را به ورشکستگی رسانده و با دخالت گسترده در قیمت‌گذاری، تولید و توزیع برق، عملا این بازار را از مزیت سرمایه‌گذاری خارج کرده است. همین چند وقت پیش، بخش‌نامه افزایش قیمت برق ابلاغ شده و بر اساس آن بهای برق کشاورزی فقط هفت درصد افزایش داشته است. درحالی‌که نرخ تورم سالانه حدود ۴۰ درصد است و دولت برق را ۳۵ درصد از ران‌زات تر نرخ تورم به کشاورزان می‌فروشد. با این وضعیت، کدام سرمایه‌گذاری حاضر می‌شود در صنعت برق سرمایه‌گذاری کند؟ حسنعلی تقی‌زاده، عضو هیئت‌مدیره سندیکای تولیدکنندگان برق، پیش از این در یک نشست خبری به «شرق» توضیح داد: «براساس برنامه ششم توسعه، ظرفیت نیروگاهی کشور باید ۲۵ هزار مگاوات رشد می‌کرد که مجموع ظرفیتی که در همه سال‌های برنامه ششم توسعه ایجاد شد، ۱۵ هزار مگاوات بوده است».
علیرضا توتونچی، دبیر سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق نیز در این نشست تأکید کرد: «برای رفع هر هزار مگاوات ناترازی برق، حدود یک میلیارد یورو و برای رفع بیشتر از ۲۰ هزار مگاوات ناترازی برق باید بیشتر از ۲۰ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری انجام شود».
بالین‌حال در شرایط تحریم و کاهش شدید سرمایه‌گذاری خارجی، بانک مرکزی از خروج سالانه بیش از ۱۲ میلیارد دلار سرمایه از کشور خبر می‌دهد؛ آن‌هم در شرایطی که نه‌تنها تولید برق افزایش متناسب با مصرف نداشته و با انباشت تقاضا روبه‌روست، بلکه استهلاک نیروگاه‌ها، خطوط انتقال و پست‌های توزیع برق و همچنین کاهش بارش و کمبود رو به گسترش گاز سبب شده است که نگهداشت میزان تولید فعلی برق هم با چالش اساسی مواجه شود.

خبربرگزیده

چین به دنبال جایگزینی نفت و گاز آمریکا

اقدام آمریکا و چین برای کاهش متقابل تعرفه‌های واردات و مذاکره، با استقبال گسترده بازارها مواجه شده است، اما این کاهش تنش تأثیر چندانی بر احیای تجارت کالاهای انرژی نخواهد داشت.

به گزارش ایسنا، در آتش‌بس میان دو اقتصاد بزرگ جهان به مدت ۹۰ روز، آمریکا تعرفه‌های خود بر واردات از چین را به ۳۰ درصد کاهش می‌دهد و پکن عوارض واردات پسر کالاهای آمریکایی را به ۱۰ درصد کاهش خواهد داد.

این توافق که پس از دو روز مذاکره در ژنو بین دو طرف حاصل شد، روابط تجاری آمریکا و چین را از پرتگاهی که به سمت آن می‌رفت، دور کرد. اما این توافق، اطمینان چندانی فراتر از دوره ۹۰ روزه ایجاد نمی‌کند و حتی چین را به ازسرگیری خرید کالاهای انرژی آمریکا تشویق نمی‌کند.



محمل‌ترین نتیجه این است که واردکنندگان آمریکایی کالاهای تولیدی چین، در ۹۰ روز آینده، برای خرید هرچه بیشتر تحت تعرفه پایین‌تر ۳۰ درصدی هجوم آوردند تا بتوانند موجودی خود را افزایش دهند.

آنچه بعید به نظر می‌رسد، این است که چین خرید نفت خام، گاز طبیعی مایع (الان‌جی) و زغال‌سنگ آمریکا را از سر بگیرد.

به محض اینکه پکن در اوایل فوریه تعرفه اولیه ۱۰ درصدی بر واردات نفت و زغال‌سنگ آمریکا اعمال کرد، این واردات عملا حذف شدند. این اولین واکنش پکن به اقدامات تعرفه‌ای اولیه ترامپ بود.

چین در سال ۲۰۲۴، حدود ۲۴۲ هزار بشکه در روز از آمریکا وارد کرد که نسبت به حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۳ که قوی‌ترین آمار سالانه بود، کمتر بود.

سهم آمریکا از واردات نفت خام به چین از راه دریا در سال ۲۰۲۴، حدود ۲.۴ درصد بود و درواقع بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان توانست محموله‌های خود را با سهولت نسبی از تأمین‌کنندگان جایگزین تأمین کند.

براساس گزارش رویترز، گفتنی است توافقی که ترامپ و چین در دوره اول ریاست‌جمهوری خود به آن دست یافتند، بسیار ناموفق بود؛ زیرا چین به‌هیچ‌وجه به رقم خرید کالاهای انرژی آمریکایی که قول آن را داده بود، نرسید. بنابراین، هرگونه توافق آینده میان ترامپ و پکن که نوید افزایش چشمگیر واردات انرژی چین از آمریکا را می‌دهد، باید با درجه درخور توجهی از شک و تردید مورد بررسی قرار گیرد.

وکیل محترم خانم عفت جلیلی راستی
فرزند جواد با شناسنامه شماره ۴۹۸ صادره از مشهد متولد ۱۳۴۱ شمسی، با توجه به عدم حضور شما در آدرس قید شده در وکالتنامه شماره ۱۰۱۲۴ مورخ ۱۳۸۲/۶/۴ مربوط به واگذاری یک دانگ از شش دانگ زمین مشاعی ۴۴۸-۲-۲ در شهر جدید پردیس (قرارداد ۶۸۲۲ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲)، لطفا نتیجه اقدامات انجام شده را به اطلاع اینجناب مهری بیدهندی (مسول وکالتنامه فوق) با شماره تلفن ۹۱۵۵۹۹۵۸۱ برسانید.

برگ سبز، بیمه نامه، کارت سوخت و کارت خودرو پراید سفید مدل ۱۳۹۷
ابه شماره پلاک ۳۳۴۴۵۳۳ ایران ۷۴ شماره شاسی: NAS۴۱۱۱۰J۳۴۲۷۱۹۲ **و شماره موتور: M۱۳۶۰۷۳۸۶۵**
به نام مونا زردادخانی
با کدملی ۰۹۴۵۵۳۰۲۱۸ **در تاریخ ۱۴۰۴/۱/۲ مفقود شده و فاقد اعتبار است.**

مدرک تحصیلی اینجناب علی خسرو آبادی
فرزند محمد به شماره شناسنامه ۵۰۶۵۷ صادره از تهران در مقطع کارشناسی در رشته مهندسی مکانیک خودرو صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام (ره) به شماره ۷۳۳۳۸۱۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.از یابنده تقاضا میشوداصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی سازمان مرکزی به نشانی بزرگراه شهید ستاری شمال میدان دانشگاه بلوار شهدای حصارک اداره کل دانش موختگان یا کد پستی ۱۴۷۷۸۹۳۸۵۵/ارسال نماید.